

واکاوی وضعیت و شخصیت شیخ هارون بن خمیس، فقیه حکومت قطب‌شاه

کاظم استادی^۱

^۱ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث / دانشگاه قرآن و حدیث / قم / ایران: (نویسنده مسؤول): kazemostadi@gmail.com

نویسنده مسؤول: kazemostadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳

چکیده

سلاطین شیعه دکن، مشهور به قطب‌شاهیان، از ۹۱۸ تا ۱۰۹۸ قمری در جنوب هند (گلکنده و حیدرآباد) فرمانروایی کرده‌اند. هفتمین فرمانروای این سلسله، سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ق) می‌باشد، که از ۱۰۳۸ - ۱۰۸۳ قمری حکومت نموده؛ و نواب اصلی وی، علامی فهامی شیخ محمد بن خاتون (م ۱۰۵۹ق) بوده است. در دوره پیشوایی ابن‌خاتون، حوزه درسی مهمی در حیدرآباد تشکیل شده، که به مناسبت آن، اساتید و شاگردانی پرورش یافته و فعالیت داشته‌اند. شاید مهم‌ترین شخصی که در این حوزه علمیه از او یاد شده، شیخ هارون بن خمیس جزایری (م ۱۰۴۷ق) است. اکنون شرح حال و ترجمه‌ای از وی در دست نیست. در واکاوی وضعیت و بررسی شخصیت شیخ هارون، مشخص گشت که: از وقایع زندگی شیخ هارون و خانواده‌اش، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما می‌توان بر اساس برخی از اسناد و نسخ خطی، اطلاعات و شرح حالی برای وی مطرح نمود. وی در حدود سال ۱۰۱۷ق از ایران به حیدرآباد هند و حکومت قطب‌شاهیان مهاجرت نموده است. شیخ هارون، مدرس حوزه علمیه «لنگر فیض اثر» حیدرآباد و فقیهی بی‌عدیل بوده، که قریب سی سال به نشر علم فقه در این منطقه اشتغال داشته؛ و آثار متعددی از خود باقی گذاشته است، که غالباً در حوزه فقه شیعی می‌باشند. **کلیدواژه:** تاریخ تشیع، فقه شیعه، حوزه علمیه حیدرآباد، محمد خاتون، عبدالله قطب‌شاه.

مقدمه

اوزون حسن (م ۸۸۲ق) از سلاطین سلسله ترکمان آق‌قویونلو، پس از آنکه بر حاکمان مسلمان ترکمان، یعنی قراقویونلوها، غلبه کرد، (در سال ۸۷۴) به تعقیب شاهزادگان این خاندان پرداخت و برخی از آنان را کشت. در حدود این دوران، قلی قراقویونلوها (م ۹۴۹ق) یکی از نوادگان خاندان قراقویونلو، به سن بیست سالگی و از ترس کشته شدن خود، عازم هندوستان شد. وی پس از چندی به دربار شمس‌الدین محمد بهمنی (محمد سوم؛ حک: ۸۶۷-۸۸۷) در دکن هند راه یافت. قلی، بعدها با قدرت گرفتن خود، در سال ۹۱۸ق اعلام استقلال و حکومت کرد؛ و پایه‌های سلسله سلاطین خاندان خود را تأسیس نمود. این سلسله از سلاطین شیعه در دکن، مشهور به حکام تلنگ یا قطب‌شاهیان، از ۹۱۸ تا ۱۰۹۸ قمری و در جنوب هند یعنی مشرق دکن (گلکنده و حیدرآباد) فرمانروایی کرده‌اند.

هفتمین فرمانروای پادشاهی قطب‌شاهیان، سلطان عبدالله قطب‌شاه (م ۱۰۸۳ق) پسر سلطان محمد قطب‌شاه بود؛ که از ۱۰۳۸ - ۱۰۸۳ قمری حکومت کرد. عبدالله قطب‌شاه در ۱۲ سالگی به سلطنت رسید. وی به چند زبان مسلط و عاشق شعر و موسیقی بود؛ و شاعران و علماء را در دربار خود محترم می‌داشت. در دوره ۴۶ ساله حکومت او، و با تدبیر نواب اصلی وی یعنی علامی فهامی شیخ محمد بن خاتون (م ۱۰۵۹ق)، مردم در آسایش و رفاه تقریبی قرار داشتند. شرح وقایع و اقدامات سال‌های زیادی از حکومت سلطان عبدالله در حدیقه السلاطین قطب‌شاهی آمده است (نک: صاعدی، ۱۹۶۱م: سراسرمتن). شیخ محمد خاتون، از خاندان مشهور آل‌خاتون در جبل عامل لبنان هستند (نک: کریمیان، ۱۳۹۳ش: ۱۴؛ سلماسی، ۱۳۹۹ش: ۳) که به ایران مهاجرت نموده‌اند (نک: مهاجر، ۱۴۱۰ق: سراسرمتن؛ فرهانی‌منفرد، ۱۳۷۷ش: سراسرمتن). محمد خاتون، که از مشهد به هندوستان مهاجرت نموده، از شاگردان شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ق) و میر محمد مؤمن استرآبادی (م ۱۰۳۴ق) بوده است و صاحب تالیفاتی می‌باشد؛ که شرح حال وی در دو اثر، مفصلاً ذکر گشته است (نک: عزمی، ۱۹۹۲م: سراسرمتن؛ استادی، ۱۴۰۲ش: سراسرمتن).

در دوره پیشوایی و صدراعظمی شیخ محمد خاتون (۱۰۳۸ - ۱۰۵۹ق)، حوزه درسی‌ای در حیدرآباد تشکیل شد، که به مناسبت آن شاگردانی پرورش یافتند؛ که اکنون ما از اسامی هفت تن آنها اطلاع داریم و عبارتند از: میرزا محمد بن شرف‌الدین موسوی جزائری حسینی، معزالدین محمد اردستانی، هارون بن خمیس جزایری، علی بن طیفور، نظام‌الدین احمد صاعدی شیرازی، حسن بن علی جامعی و محمد علی کربلایی (همان).

شاید مهم‌ترین شخصی که از او به عنوان شاگرد شیخ محمد خاتون یاد شده است، شیخ هارون جزایری می‌باشد. از شرح حال و زندگانی هارون بن خمیس (م ۱۰۴۷ق)، اطلاعات قابل توجهی در دست نیست. اکنون همین قدر می‌دانیم که وی، زمانی در حیدرآباد هند اقامت داشته و تراجم‌نویسان نیز، اطلاعات چندانی از او ارایه نداده‌اند.

آقا بزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ق) هم در الذریعه و هم در طبقات، به مناسبت دو عنوان از تألیفات شیخ هارون، اشارت به وی نموده است. وی در طبقات نوشته است:

«هارون الجزائری؛ ابن خمیس. له شرح «الإرشاد» للحلی رأیت النقل عنه فی بعض کتب الأصحاب المعاصرين لصاحب الجواهر. و مرّ الخمیس بن عامر الجزائری و ولده أبوطالب و المنقول عنه قوله فی شرح قول العلامة [کالخورج و الغلاء... الخ إن الأئمة (ع) عبید مربوبون و کلّ فضل لهم فهو من عطاء الخالق تعالی، و هم محتاجون فی الذات و جمیع الصفات الی الله تعالی] انتهى. و له أيضا «الفوائد العلیة» فی شرح الألفیة الشهیدیة، و النسخة بخطه فی الخزانة (الرضویة) فرغ من الشرح ۱۰۳۶ق (تهرانی، بی تا: ۶۳۰/۵).

در الذریعه نیز نوشته است: الفوائد العلیة فی شرح الألفیة، للشیخ هارون بن خمیس الجزائری (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۳۵۰/۱۶). همچنین آقا بزرگ تهرانی در الذریعه و به مناسبت ذکر کتاب شرح الإرشاد، نوشته است: «شرح الإرشاد، للشیخ هارون بن الشیخ خمیس الجزائری، ینقل عنه بعض مقاربی العصر فی رسائله، و لعل والده هو الشیخ خمیس بن عامر الجزائری آل مناف، و یأتی «نهج السداد فی شرح خلافت‌الایمان» للشیخ الفقیه یوسف بن علی الأوالی تلمیذ السید ماجد البحرانی المتوفی سنه ۱۰۲۸ ه الذی فرغ من بعض کتاباته سنه ۱۰۴۱ و من بعضها سنه ۱۰۵۳ ه» (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۸۰/۱۳). نسبت پدر هارون در این یادکردها، نادرست هستند؛ که بعداً پیرامون آن سخن خواهیم گفت.

در برخی از تراجم جدید نیز، همان اشارات آقا بزرگ، اشاره‌وار، تکرار شده‌اند؛ به عنوان نمونه در موسوعه طبقات الفقهاء، اثر جعفر سبحانی (زنده) آمده است: «هارون بن خمیس الجزائری (... حیاً ۱۰۳۶هـ): فقیه امامی. له شرح علی «إرشاد الأذهان الی أحكام الإیمان» للعلامة الحلی، والفوائد العلیة فی شرح «الألفیة» فی فقه الصلاة للشهید الأول (مخطوط)» (سبحانی ۱۴۱۸ق: ۴۵۷/۱۱).

در منابع هندی و دوره قطب‌شاهی نیز، تنها پارگرافی در حدیقه السلاطین، اثر نظام الدین احمد صاعدی شیرازی (زنده ۱۰۵۳ق) یافت شد؛ که در ذکر برخی از سوانح سال سیزدهم جلوس سلطان عبدالله قطب‌شاه نوشته است:

«شیخ هارون جزایریست که مدرس اهل لنگر فیض اثر و مسلمین این شهر و فقیه بی عدیل عادل و به صلاح و تقوی موصوف بود و قریب سی سال به نشر علم فقه و دعای ازدیاد جاه و جلال ایندولت اشتغال داشت در ماه ذیقعد سنه مذکوره به رحمت ایزدی واصل شد و نواب علامی متوجه فرزندان او شده بر نسبت سابق از لنگر فیض اثر وظیفه مقرر کردند» (نک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱م: ۲۱۳).

با توجه به آنچه گذشت، اکنون مناسب است تا واکاوی وضعیت و شخصیت شیخ هارون بن خمیس، فقیه حکومت قطب‌شاه، انجام شود و ضمن آن، شرح حالی از ایشان، تدوین گردد.

۱- تولد و خاندان هارون

از وقایع زندگی شیخ هارون و خانواده‌اش، اطلاعات چندانی یا منسجمی در دست نیست؛ اما می‌توان بر اساس برخی از داده‌های اسناد و برخی از نسخ خطی، اطلاعات مختصری برای وی مطرح نمود، که در دو عنوان قابل پیگیری هستند.

۱-۱- تولد شیخ هارون

جستجوهای فراوانی انجام شد، اما از زمان و مکان تولد شیخ هارون جزایری اطلاع دقیقی حاصل نگشت؛ ولی به مناسبت نسبت «جزایری» برای وی، می‌توان گفت که او، عرب و احتمالاً از اهالی منطقه شوشتر یا حویزه بوده است؛ که محل کتابت برخی نسخه‌های خطی این خاندان نیز، شاهد این وضعیت است (نک: بیضاوی، ۹۹۵ق: برگ ترقیمه). همچنین، از آنجایی که فرزند شیخ هارون در سال ۹۸۹ق، ترجمه کتاب کنز الدقایق را کتابت نموده (نک: حماد، ۹۸۹ق: برگ ترقیمه)؛ و خود هارون نیز در تاریخ ۱۰۱۵ق کتابی علمی، یعنی شرح الملخص فی الهیة الهیة را، کتابت کرده است (نک: قاضی‌زاده‌رومی، ۱۰۱۵ق: برگ آخر)؛ به نظر می‌رسد که شیخ هارون، متولد حدود سال‌های ۹۵۲ق تا ۹۶۲ق بوده است.

۱-۲- پدر و خانواده وی

اطلاعی از تولد و ترجمه شیخ خمیس به دست نیامد. حتی تراجم نویسان نیز، از وی مطلب قابل توجهی و درستی ذکر نکرده‌اند؛ تنها آقا بزرگ تهرانی در الذریعه به مناسبت ذکر کتابی از هارون بن خمیس نوشته است: «شرح الإرشاد، للشیخ هارون بن الشیخ خمیس الجزائری، ینقل عنه بعض مقاربی العصر فی رسائله، و لعل والده هو الشیخ خمیس بن عامر الجزائری آل مناف، و یأتی «نهج السداد فی شرح خلافت‌الایمان» للشیخ الفقیه یوسف بن علی الأوالی تلمیذ السید ماجد البحرانی المتوفی سنه ۱۰۲۸ ه الذی فرغ من بعض کتاباته سنه ۱۰۴۱ و من بعضها سنه ۱۰۵۳ ه» (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۸۰/۱۳). این مطلب صحیح نیست؛ زیرا که خود هارون بن خمیس، در برخی از کتابت‌های خود، نسب خویش را با عنوان «هارون بن شیخ خمیس بن داود جزایری» درج نموده است (نک: قاضی‌زاده‌رومی، ۱۰۱۵ق: برگ آخر). جدای از این و طبق برخی از اسناد و نسخ خطی، «خمیس بن عامر الجزائری» در یوم الرابع

من شعبان سنه ۱۰۵۷ ق زنده بوده است (نک: شهیدثانی، ۱۰۵۲ ق: برگ آخر؛ الحسینی، ۱۴۱۴ ق: ۷۳۶/۲)؛ این در صورتی است که شیخ خمیس بن داود، پدر هارون بن خمیس، در سال ۱۰۳۶ ق و طبق گفته فرزندش هارون، از دنیا وفات یافته بوده است (نک: هارون بن خمیس، ۱۰۳۶ ق: برگ آخر). این شواهد گویای آن هستند که عنوان «خمیس بن عامر الجزائری» (نک: شهیدثانی، ۱۰۵۲ ق: برگ آخر)، شخصیتی متأخر و متمایز از پدر هارون بن خمیس می‌باشد. همچنین، آیت‌الله مرعشی نجفی از او با عنوان «العلامة الشيخ خمیس الجزائری» یاد کرده است. وی در برگ نخست نسخه خطی منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، که توسط شیخ هارون کتابت شده، نوشته است: «هذه النسخة الشريفة من الرجال الكبير للاسترابادي بخط ولد العلامة الشيخ خمیس الجزائری و بهامشها تعالیق من العلامة السيد عليخان المدني شارح الصحيفة، منها ما كتبه في ترجمة الأعمش فليغتنم قدرها و لا يرخص مهرها؛ حرره شهاب الدين الحسين المرعشي النجفي في ج ۱۵/ ج ۱۴۰۰ ق» (استرابادی، ۱۰۳۰ ق: اوراق عطف نخست).

بنابر این، اکنون درباره ترجمه خمیس پدر هارون، تنها می‌دانیم که وی اهل علم و کاتب می‌باشد؛ و در سال ۱۰۳۰ ق زنده بوده (نک: جزائری، ۱۰۳۰ ق: نسخه ۱۸۳۸) و در تاریخ ۱۰۳۶ ق وفات یافته است؛ همان گونه که در نسخه خطی الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة، به خط فرزند شیخ خمیس، آمده است: «فرغ من تسويدھا مؤلفھا هارون بن المرحوم الشيخ خمیس الجزائری عفی الله عنها بمنه و کرمه و کان ذلک سنه ۱۰۳۶ ق» (نک: هارون بن خمیس، ۱۰۳۶ ق: برگ آخر).

درباره خانواده هارون نیز، اطلاع قابل توجهی به دست نیامد؛ اما با جستجوی در نسخ خطی دسترس، مشخص شد که جدای از پدر هارون و خود وی، چندین نفر از برادران هارون و فرزندان ایشان از خاندان آل خمیس نیز، کاتب بوده‌اند؛ که عبارتند از: ۱- جمعه بن خمیس (متوفی بعد از ۹۸۵ ق). ۲- محمد بن خمیس (متوفی بعد از ۱۰۶۳ ق). ۳- عبدالله بن خمیس (متوفی بعد از ۱۰۵۳ ق). ۴- بهاء‌الدین بن هارون (متوفی بعد از ۹۸۹ ق). ۵- عبدمحمد بن خمیس (متوفی بعد از ۱۰۱۶ ق). ۶- شمس‌الدین بن جمعه بن خمیس (متوفی بعد از ۱۱۰۸ ق). ۷- محمد قاسم بن محمد بن خمیس (متوفی بعد از ۱۰۹۴ ق). ۸- موسی بن عبدالله بن خمیس (متوفی بعد از ۱۰۷۱ ق).

تعداد کتب خطی شناسائی شده از این کاتبان آل خمیس، بیست و نه نسخه هستند که شامل بیست و پنج عنوان می‌شوند و عبارتند از: ۱- الاستبصاره شیخ طوسی. ۲- الاثنی عشریة فی الطهارة. ۳- الالفیة فی فقه الصلاة الیومیة. ۴- البهجة المرضیة فی شرح الالفیة. ۵- نمودج اللیب فی خصایص الحیب. ۶- انوار التنزیل و اسرار التاویل. ۷- بدایة الهدایة. ۸- تهذیب الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. ۹- الخصال المحمودة و المذمومة. ۱۰- شذور الذهب. ۱۱- شرح الملخص فی الیهیة. ۱۲- شرح مفردات الفاظ القرآن. ۱۳- صلاة الجمعة (نیز: احکام المسافر یا القصد و الاتمام للمسافر؛ نیز: انکاح علی ام کلثوم بنته عمر؛ و...). ۱۴- صلاح الارواح و الهادی الی دار الفلاح. ۱۵- الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة. ۱۶- کنز الدقایق (ترجمه). ۱۷- کنز العرفان فی فقه القرآن. ۱۸- متفرقات. ۱۹- مختصر المعانی. ۲۰- مختلف الشیعة فی احکام الشریعة. ۲۱- مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. ۲۲- مسالک الرشاد فی شرح الارشاد. ۲۳- المفصل فی صنعة الاعراب. ۲۴- منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال. ۲۵- الیقین باختصاص مولانا علی بامره المؤمنین. بیشترین (۱۵ عنوان) موضوع کتابهای کتابت شده توسط این خاندان، به موضوع فقه اختصاص دارد و به زبان عربی هستند؛ که این وضعیت، گویای این مطلب است که کاتبان آل خمیس، از خاندان روحانی و اهل علوم حوزوی بوده‌اند (استادی، ۱۴۰۲ ش: سراسرمتن).

۱-۳- نسب و تبار شیخ هارون جزائری

در چندین نسخه خطی، برخی از تبار و نسب شیخ خمیس، پدر هارون، این گونه درج شده‌اند: «خمیس بن داود جزایری» (نک: کرکی، ۱۰۳۰ ق: نسخه ۲/۱۸۳۸)؛ «خمیس بن داود الجزایری الشعاوی» (نک: ابن طلوس، ۱۰۱۶ ق: نسخه ۱۹۷۰۱)؛ «خمیس بن داود بن منصور الجزائری» (نک: طوسی، ۱۰۲۰ ق: نسخه ۲۵۳۱۲). جدای از نسبت جزائری، شیخ خمیس با نسبت‌های «الشعاوی» یا «الشعیبوی الاحلاقی» نیز ثبت و فهرست شده‌اند؛ همانند: «خمیس بن داود بن منصور بن محمود الشعیبوی الاحلاقی» (نک: فاضل مقداد، ۹۸۳ ق: نسخه ۲۰۷۸).

شاید «الشعیبوی» صحیح باشد؛ و منظور نسبت وی به منطقه «شعیبیه»، یکی از بخش‌های تابعه شهرستان شوشتر در استان خوزستان در جنوب غربی ایران باشد. هرچند که فهرست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی در کنار درج الشعای، داخل پرانتز، نوشته است: «الشعساوی» (نک: ابن طلوس، ۱۰۱۶ ق: نسخه ۱۹۷۰۱)؛ و دانسته نشد که این تصحیح، به چه استنادی است. در هر صورت، نسب و تبار شیخ خمیس این گونه است: خمیس بن داود بن منصور بن محمود؛ که با احتساب برخی از فرزندان و نوادگان شناسایی شده، این شجره نامه برای ایشان قابل ترسیم است:

۲- تحصیل و تدریس

از وضعیت تحصیل شیخ هارون اطلاعی در دست نیست. با توجه به این که وی در حدود شصت سالگی به هندوستان آمده است؛ به نظر می‌رسد که تحصیلات خود را در ایران سپری کرده باشد. هرچند که ممکن است در اقامت خود در حیدرآباد، استفاده‌هایی از دروس میر محمد مؤمن استرابادی

(م ۱۰۳۴ق) و نیز شیخ محمد خاتون (م ۱۰۵۹ق) برده باشد، و برخی نیز ابن خاتون را به عنوان استاد شیخ هارون بن خمیس یاد کرده‌اند (نک: عزمی، ۱۹۹۲م: ۱۳۹ و ۱۴۰)؛ که البته بعید است وی شاگرد رسمی و مرتب ابن خاتون بوده باشد، چرا که در دوران حضور ایشان در حیدرآباد، سن شیخ محمد خاتون، یا کمتر از شیخ هارون بوده یا در حدود وی بوده است.

از وضعیت تدریس شیخ هارون نیز اطلاعی یافت نشد؛ جز آن که خود شیخ هارون در مقدمه «الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة» نوشته که به تدریس کتاب الاثناعشریة فی الصلاة الیومیة، اثر بهاء‌الدین عاملی (م ۱۰۳۰ق) مشهور به شیخ بهایی اشتغال داشته است (نک: هارون بن خمیس، ۱۰۳۶ق: ۱). همچنین، نظام‌الدین احمد صاعدی (زنده ۱۰۵۳ق) در حدیقه السلاطین نوشته است: شیخ هارون جزایری مدرس اهل «لنگر فیض اثر» حیدرآباد بوده است (برای اطلاع از منطقه لنگر فیض اثر، نک: بلگرامی، ۱۹۲۴ق: ۷۹)؛ و فقیهی بی‌عدیل عادل و به صلاح و تقوی موصوف بوده، که قریب سی سال به نشر علم فقه در این منطقه اشتغال داشته است (نک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱م: ۲۱۳).

رحمت‌الله گیلانی (قرن ۱۱) صاحب کتاب «تجوید» نیز، شیخ هارون را در کتاب خود، این گونه توصیف نموده است: «افضل الفضلا و افقه المحدثین و المتکلمین و اعلم به مسائل مذهب اثنا عشری الشیخ هارون الجزائری که افقه و اورع آن زمان و مرجع الیه اهل اتقان ... شیخ مرحوم فقیه و محدث و مفتی معتمد و معتبر بود ...» (گیلانی، ق ۱۱: برگ ۵۶).

۳- آثار و تألیفات

تراجم نگاران اندکی که به هارون بن خمیس پرداخته‌اند، فقط یک یا دو اثر، را برای وی ذکر کرده‌اند؛ ولی با جستجوی در فهرس نسخ خطی، برخی آثار دیگر نیز برای وی قابل ذکر است؛ که عبارتند از:

۳-۱- کتابت آثار دیگران

تنها سه نسخه (بعلاوه دو نسخه احتمالی) از آثار کتابت شده توسط شیخ هارون، دستیاب شد؛ که عبارتند از:

۳-۱-۱- شرح الملخص فی الهیبة

کتابخانه مجلس شورا؛ کد دستیابی نسخه: ۶۳۳۴. پدیدآور: قاضی‌زاده رومی، موسی بن محمود موضوع: هیات و نجوم. زبان: عربی. وضعیت استنساخ: ۱۰۱۵ق. کاتب: هارون بن شیخ خمیس بن داود جزایری. آغاز کتاب: «الحمد لله الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وبسط على بساط البسيط ظلاً و حروراً و رفع خضراء ذات البروج ... و بعد فلا اقسام بمواقع النجوم و انه لقسام لو تعلمون عظيم ان في زماننا هذا قد اندرس مدارس العلوم العتيقة و معالم لا سيما الرياضى ...». انجام کتاب: «... و عشرة ايام واحدی و عشرون ساعة الا دقيقة و ثلاثة احماس دقيقة من دقائق الساعات على ... كما لا يخفى على من له دراية في الحساب». ترقیمه: ... بقلم العبد المذنب الخاطی هارون بن الشیخ خمیس بن داود الجزایری فی البلد المسمى بکرمان سنه ۱۰۱۵ق. مشخصات ظاهری: نوع کاغذ: اصفهانی شکری. نوع و تزیینات جلد: تیماجی قرمز. خط: شکسته نستعلیق. تعداد صفحات: ۷۶ گ (۱۵۰ صفحه)؛ ۵/۱۹×۵/۱۲ س.م. ویژگی‌های اثر: کنار صفحات نخستین حاشیه‌هایی از بیرجندی و دیگران و بر پشت برگ اول و ذیل نسخه یادداشتهای مختلف هست (نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۹).

۳-۱-۲- منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال

کتابخانه آیت‌الله مرعشی؛ کد دستیابی نسخه: ۱۹۳۵. پدیدآور: استرآبادی، محمد بن علی. موضوع: رجال. زبان: عربی. وضعیت استنساخ: جمعه ۱۸ ربیع الثاني ۱۰۲۰ق. کاتب: هارون فرزند شیخ خمیس فرزند داود جزایری. آغاز: الحمد لله ... بما یحبه ... آله المخصوصین بالطهارة من الابداناس .. الاخر اما بعد فهذا کتاب نهج المقال ...». انجام: ... علی ما ذکره الی هولاء المشایخ رضی الله عنهم و ارضاهم و جزاهم عن الاسلام و اهله خیر الجزاء بمحمد و آله خر الوری. مشخصات ظاهری: نوع کاغذ: فرنگی و شرقی. نوع و تزیینات جلد: رو مقوایی و پشت تیماج مشکلی مجدول اندازه ۲۸*۲۰. خط: نسخ و نستعلیق. تعداد صفحات: ۳۱۲ برگ، ۲۸ سطر؛ ۱۱×۲۱ س.م. بخش نونویس: ربیع الثاني ۱۰۲ق؛ عنوانها و نشانیها شنگرف. ویژگی‌های نسخه: در حاشیه تصحیح شده و دارای حاشیه‌نویسی با نشان «منه رحمه الله، ۵، ۱۲ و ..» می‌باشد. بخش بسیاری از نیمه و انجام این نسخه نونویس می‌باشد، چند برگ نخست آسیب دیده و مرمت نیز گردیده است، صورت دستخط حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی در برگ نخست بدین صورت آمده است: «هذه النسخة الشريفة من الرجال الكبير للاسترآبادی بخط ولد العلامة الشیخ خمیس الجزایری و بهامشها تعالیق من العلامة السيد علیخان المدني شارح الصحيفة، منها ما کتبه فی ترجمة الاعمش فليغتنم قدرها و لايرخص مهرها؛ حرره شهاب الدين الحسين المرعشي النجفي فی ج ۱۵/ ج ۱ ۱۴۰۰ق» (نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی، ج ۳۰).

۳-۱-۳- الخصال (المحمودة و المذمومة)

آستان قدس رضوی (کتابخانه آیت‌الله جلیلی)، کد دستیابی نسخه: ۱۳۳. پدیدآور: شیخ صدوق، محمد بن علی. موضوع: حدیث. زبان: عربی. وضعیت استنساخ: یکشنبه ۲۷ شعبان ۱۰۳۵ق. کاتب: هارون بن شیخ خمیس جزایری. آغاز کتاب: بسملة الحمد لله الذي توحد بالوحدانية و تفرد بالالهية و فطر العباد

علی معرفته...». انجام کتاب: باب خلق الله عزوجل الف الف عالم والف الف آدم... انت فی اخر ذلك العالم و اولیک الادمیون و الحمد لله رب العالمین تم کتاب الخصال». مشخصات ظاهری: نوع کاغذ: نخودی آهار مهره. نوع و تزیینات جلد: تیماج مشکی ضربی. خط: نسخ؛ کم اعجام. عناوین به شنگرف. تعداد صفحات: ۱۸۹ برگ، ۲۴ سطر؛ ۱۴×۲۳/۵ س.م. ویژگی‌های نسخه: نسخه مصحح ظهر برگ اول چند یادداشت تملک از نظام الدین احمد بن محمد معصوم حسنی حسینی در ۱۰۵۵ق، منصور بن احمد حسینی در ۱۰۸۸ق، محمد بن ابوعلی و دیگران (نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه الله جلیلی (کرمانشاه)؛ واگذار شده به آستان قدس رضوی).

به نظر می‌رسد که یادداشت‌های اولیه تملک، از نظام الدین احمد بن محمد معصوم مدنی دشتکی شیرازی (م ۱۰۸۶ق) می‌باشد، که در سال ۱۰۵۵ق به دامادی سلطان عبدالله قطب‌شاه درآمده است؛ نظام الدین احمد در نامه‌ای به تاج‌الدین مکی (م ۱۰۶۶ق) نوشته است: «... إلى أن وقع العقد المبارك الميمون، الذي كان لأجله طلبی لهذه الديار، ليلة عاشر ربيع الأول، من شهر سنة خمس و خمسين و ألف، في دار السلطنة و الخلافة، و العاقد هو الشيخ العلامة محمد الشهير بابن خاتون، و بعد أن وقع كل من الإيجاب و القبول، أليس المخلص و من حضر ذلك المجلس، من أركان الدولة العظيمة و غيرهم من العلماء الأعلام، خلع التشريف و الإكرام ...» (تاج‌الدین مکی، ۱۴۲ق: ۷۲-۷۳).

۴-۱-۳ دیوان عمادی غزنوی

این عنوان، ممکن است از کتاب‌های هارون بن خمیس باشد؛ ولی دسترسی به عکس نسخه و مشخصات بیشتری از فهرست‌نویسی فراهم نشد، بنابراین نمی‌توان نظر دقیق داد.

پدیدآور: عمادی شهریاری، عمادالدین موضوع: شعر. زبان: فارسی. وضعیت استنساخ: شیخ هارون. مشخصات ظاهری: ۸ برگ. کتابخانه سبحان الله اورینتل لایبری (دانشگاه علیگره مسلم)؛ کد دستیابی نسخه: ۸۳/۸۹۱۶۵۵۱۱ (نک: فهرست نسخ قلمی (عربی - فارسی و اردو) سبحان الله اورینتل لایبری مسلم یونیورسیتی علی گرہ مسلم).

۵-۱-۳ دیوان فلکی شروانی

این عنوان، ممکن است از کتاب‌های هارون بن خمیس باشد؛ ولی دسترسی به عکس نسخه و مشخصات بیشتری از فهرست‌نویسی فراهم نشد، بنابراین نمی‌توان نظر دقیق داد.

پدیدآور: فلکی شروانی، نجم الدین محمد. موضوع: شعر. زبان: فارسی. وضعیت استنساخ: شیخ هارون. مشخصات ظاهری: ۶ برگ. کتابخانه سبحان الله اورینتل لایبری (دانشگاه علیگره مسلم)؛ کد دستیابی نسخه: ۴۸/۸۹۱۶۵۵۱۱ (نک: فهرست نسخ قلمی (عربی - فارسی و اردو) سبحان الله اورینتل لایبری مسلم یونیورسیتی علی گرہ مسلم).

۲-۲-۳ تألیفات شخصی

سه عنوان از آثار نوشته شده توسط شیخ هارون، شناسایی شد؛ که هر سه در موضوع فقه اسلامی هستند، و کتابت برخی از آنها توسط شخص وی در دسترس می‌باشند. این آثار موجود عبارتند از:

۱-۲-۳ الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة

کتاب الاثناعشریة فی الصلاة الیومیة، اثر بهاء‌الدین عاملی (م ۱۰۳۰ق) مشهور به شیخ بهایی می‌باشد. مؤلف در این کتاب مختصر، آنچه از واجبات و مستحبات نماز می‌شود به سبک فقه تفریعی و استدلالی نوشته است؛ و در آن، اقوال فقها و روایات را به صورت بسیار مختصر مورد بحث قرار داده است. این اثر، از ابتدای نگارش، مورد توجه فقها واقع شده و حواشی و شروح متعددی بر آن نوشته شده است.

«الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة» اثر شیخ هارون، شرح مزجی استدلالی بر کتاب الصوم الاثنی عشریة شیخ بهایی است؛ که مؤلف در مقدمه اثر نیز، به آن تصریح نموده و نوشته است: «... اشتغلت بتدریس الرسالة الشهیره الساین فی الاقطار مسیر الشمس المنیره الموسومة مالا ساعدیة الصومیة تصنیف المولی الاکرم و الفقیه الاعظم علی الاعیان و نادره العصر و الزمان قدوة المحققین و اعظم العلما المتبحرین محمد المشتهر ببهاء الدین العاملی قدس الله نفسه الزکیه و افاض علی تربته المراحم الربانیة و حیث قد احتوی علی مباحث دقیقه و انظار عمیقه و اشارة الی الخلاف فی الاقوال و الروایات مع شدة اختصار لایکتسبها الا الفقیه الکاسر و الباع الماهر المحیط باقوال الفقها المطلع علی ماخذ الفتوی ...» (هارون بن خمیس، ۱۰۳۶ق: ۱).

نسخه‌های خطی الفوائد العلیة

تنها یک نسخه برای این اثر، شناسایی شد؛ که در فهرستگان نسخ خطی ایران نیز فهرست شده است (نک: درایتی، ۱۳۹۱ش: ۴۹۵/۲۴).

۱- کتابخانه آستان قدس رضوی؛ کد دستیابی نسخه: ۲۵۰۹.

پدیدآور: جزایری، هارون بن خمیس. موضوع: فقه. زبان: عربی. وضعیت استنساخ: قرن ۱۱؛ ۱۰۳۶ق. آغاز: «بسمله، الحمد لله الذي جعل الحمد مفتاحاً لذكره و سبباً للمزيد من فضله...». انجام: «... و التوفيق لما يحب و يرضى فرغ من تسويدها مؤلفها هرون بن المرحوم الشيخ خميس الجزايري عفى الله عنهم اجمعين و كرمه و كان ذلك سنة ۱۰۳۶ و صلى الله على محمد و آله و سلم». مشخصات ظاهری: نوع کاغذ: نخودی. نوع و تزیینات جلد: مقواروبه پارچه. خط:

نسخ، عناوین به سنگرف. تعداد صفحات: ۸۰ برگ، ۲۰ سطر؛ ۲۱×۱۲ س.م. ویژگی‌های نسخه: برخی از اوراق دارای حواشی. تاریخ وقف نسخه به کتابخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۰۶۷ق و توسط اسدالله بن محمد خاتون می‌باشد.

۳-۲-۲- الفوائد العلیة فی شرح الألفیة

رساله «الألفیة فی فقه الصلاة الیومیة» اثری فقهی و مختصر از تألیفات محمد بن جمال الدین مکی عاملی (م ۷۸۶ق) مشهور به شهید اول می‌باشد؛ که شامل هزار واجب از نماز است. کتاب الفیه از شهرت فراوانی برخوردار بوده؛ و حواشی و تعلیقه‌های زیادی بر آن زده شده است. در فهرست سایت اینترنتی کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه‌ای با عنوان «فوائد العلیة فی شرح الالفیه» برای هارون بن خمیس درج شده است؛ با این مشخصات:

۱- کتابخانه آستان قدس رضوی؛ کد دستیابی نسخه: ۲۵۰۹.

پدیدآورندگان: شهید اول، محمد بن مکی (۷۳۴-۷۸۷ق) (ماتن). هارون بن خمیس جزایری، قرن ۱۱ق (شارح و کاتب). موضوع: فقه. زبان: عربی. تاریخ کتابت: سال ۱۰۳۶ق. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (۱۳۹۰ش). دسترسی به این نسخه و عکس نسخه برایم حاصل نشد. از سوی دیگر این تاریخ کتابت و نیز کد دستیابی نسخه، همانند نسخه «الفواید العلیة فی شرح الاثنی عشریة» که پیش‌تر معرفی گشت. شاید نسخه مجموعه است و شامل دو اثر از هارون بن خمیس؛ و شاید نیز، اشتباهی در فهرست‌نویسی رخ داده است.

البته آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعه، این عنوان کتاب را برای شیخ هارون بر شمرده است: الفوائد العلیة فی شرح الألفیة للشیخ هارون بن خمیس الجزائری. أوله: [الحمد لله الذی جعل الحمد مفتاحاً لذكره و سبباً للمزید من فضله ...] و النسخة بخط الشارح فی الرضویة فرغ منه فی ۱۰۳۶ق (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ۳۵۰/۱۶).

۳-۲-۳- مسالک الرشاد فی شرح الارشاد

کتاب «ارشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان» یا «ارشاد الأذهان فی علم ایمان» کتابی فقهی اثر ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (م ۷۲۶ق) معروف به علامه حلّی است. این کتاب از کتب فقه فتوایی شمرده شده که از طهارت تا دیات را در بردارد؛ و از مصادر فقه امامیه محسوب می‌شود. کتاب ارشاد الأذهان به خاطر جایگاه علمی و نیز مرتبه مؤلف آن، همواره مورد توجه علما و فقهای قرار داشته است. کتاب «مسالک الرشاد فی شرح الارشاد» اثر هارون بن خمیس، شرح مختصری برای ایضاح خلافتیات وارده در کتاب «ارشاد الأذهان» علامه حلّی است. شیخ هارون در مقدمه کتاب نوشته است: «... و سمیته بمسالك الرشاد فی شرح الارشاد مقتصر اصلی ایضاح الخلافتیات من غیر اطناب فی الأدلة و الروایات ...» (نک: هارون بن خمیس، ۱۱۰ق: ۱).

نسخه‌های خطی مسالک الرشاد

تنها یک نسخه برای این اثر، شناسایی شد.

۱- کتابخانه العتبه العباسیة؛ کد دستیابی نسخه: ۳۶.

پدیدآور: جزای‌ری، هارون بن خمیس موضوع: فقه. زبان: عربی. آغاز: «ان اولی ما تصرف ... بل اوجب ما یشتغل به الانسان فی جمیع الاعصار حمد من لا یشغله شان و لا یغیره ...». انجام: (افتادگی دارد) المقصد السادی فی الصلوات ... بل یعید الکلمة من اولها ، فیعد القراءة لو قرا خلالها؛ ای قرا خلال القراءة شیئی! آخر عدا ما استثنی. وضعیت استنساخ: یوم الجمعة فی تاسع عشر شهر صفر فی سنه الف و احدی و مائة. کاتب: محمد یحیی شیخ جمال الدین احمد. مشخصات ظاهری: ۲۷۷ برگ، ۲۵ سطر؛ ۱۴×۲۵ س.م. ویژگی‌های نسخه: افتادگی از انجام نسخه دارد. مصححه. اصابتها الارضة.

۴- سفرها و مکتوبات هارون

اسناد روشنی که مستقلاً به سفرهای شیخ هارون پرداخته باشند، در دسترس نیست؛ اما با توجه به برخی داده‌ها می‌توان سیر مسافرتی وی را تا حدودی مشخص نمود. با توجه به اصالت شیخ هارون که اهل خوزستان ایران است و خاندان وی در آنجا ساکن بوده‌اند و نیز ترقیمه نسخه خطی کتاب شرح ملخص که توسط وی کتابت شده، و در آن آمده است: «بقلم العبد المذنب الخاطی هارون بن الشیخ خمیس بن داوود الجزائری فی البلد المسمی بکرمان سنه ۱۰۱۵ق» (نک: قاضی زاده‌رومی، ۱۰۱۵ق: برگ آخر)؛ می‌توان نتیجه گرفت که اولین سفر شیخ هارون، مسافرت از خوزستان تا کرمان، و در حدود سال ۱۰۱۵ قمری بوده است.

غیر از این اطلاع، در حدیقه السلاطین نظام الدین احمد (زنده ۱۰۵۳ق) پیرامون هارون بن خمیس نوشته که شیخ هارون جزایری قریب سی سال در منطقه «هل لنگر فیض اثر» به تدریس اشتغال داشته است (نک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱م: ۲۱۳)؛ که این مطلب، به ضمیمه سال وفات شیخ هارون (۱۰۴۷ق)، نشان می‌دهد که وی لااقل از حدود سال ۱۰۱۷ق در هند و حوالی شهر حیدرآباد به سر می‌برده است.

در مجموع به نظر می‌رسد که شیخ هارون، تنها یک سفر کلی از ایران به هندوستان، در طول مدت حدود دو سال، داشته است؛ و در این مسیر، شهرهای مختلفی را بین راه، درک یا اقامت کوتاه نموده است.

همچنین از نامه‌ها و مکتوبات شیخ هارون نیز، اطلاعی خاص نشد؛ جز جواب نامه یک استفتاء، که رحمت الله گیلانی (قرن ۱۱) در کتاب خود «تجوید»، از شیخ ثبت نموده است:

«حکایت. مؤلف این کتاب الفقیه الحقیق رحمت الله القاری الجلانی (الگیلانی) نقل میکند که در وقت تألیف کتاب برهان القاری فی تجوید کلام الباری در حیدرآباد حمیت عن الفتن و الفساد احتیاج شد که دو کلمه در باب قرأه سبعة به خدمت افضل الفضلا و افقه المحدثین و المتکلمین و اعلم به مسائل مذهب اثنا عشری الشیخ هارون الجزائری که افقه و اورع آن زمان و مرجع الیه اهل اتقان بود بنویسد نوشت و چون شیخ مرحوم فقیه و محدث و مفتی معتمد و معتبر بود جواب به رقعہ را تیمناً و تبرکاً در این کتاب ثبت نمود آن این است: القراءه السبعة بالاجماع صحیحه لأنها تواتره لکن لا یجمع فی الصلوٰه بین قرائتین منها فانه غیر جایز بالاجماع ایضاً و ما عد الشیعۀ فهو شاذّ عندنا بالاجماع لایجوز القراءه به فی الصلوٰه. انتھی» (گیلانی، ق ۱: برگ ۵۶).

جدای از این قابل توجه است که در آثار تاریخی دوره قطب‌شاهی، همانند کتاب‌های حدیقه السلاطین و حدایق السلاطین نقشی غیر درسی از شیخ جزایری وجود ندارد، بنابراین می‌توان گفت که شیخ هارون مسؤولیت دیوانی یا نقش محوری در وقایع و جریان‌های سیاسی و دینی آن دوران نداشته است؛ و احتمالاً فقط فقیهی مخصص در درس و تدریس بوده است.

۵- وفات و فرزندان

کسانی که به برخی از کتب شیخ هارون اشاره داشته‌اند، همانند: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، به اعتبار نسخه خطی کتابت شده وی به سال ۱۰۳۶ق (نک: هارون بن خمیس، ۱۰۳۶ق: برگ آخر)، وی را زنده به این سال دانسته‌اند. اما نظام الدین احمد صاعدی شیرازی (زنده ۱۰۵۳ق) در حدیقه السلاطین، تصریح نموده است که شیخ هارون جزایری در ماه ذیقعد سنه ۱۰۴۷ قمری به رحمت ایزدی واصل گشته است (نک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱م: ۲۱۳).

بنابراین با توجه به این که شیخ هارون، متولد حدود سال‌های ۹۵۲ق تا ۹۶۲ق بوده، می‌توان گفت که وی حدود نود سال عمر کرده است؛ که قریب به سی سال از آن را در هند و حوالی حیدرآباد اقامت داشته است. قبر وی نیز طبق نقل نظام الدین احمد، در «لنگر فیض اثر» (نک: همان)، که اکنون به گنبدان قطب‌شاهی موسوم است، قرار دارد.

همچنین، در کتاب‌های تراجم محدودی که به یادکرد شیخ هارون اشاره داشته‌اند، عقب و فرزندی برای وی بیان نشده است؛ ولی با توجه به نسخه خطی کتاب ترجمه کنز الدقایق، که در سال ۹۸۹ توسط بهاء‌الدین بن شیخ هارون کتابت شده (نک: حماد، ۹۸۹ق: نسخه ۷۸۲)، به نظر می‌رسد که «بهاء‌الدین بن خمیس» فرزند شیخ هارون می‌باشد.

جدای از این، در حدیقه السلاطین آمده است که پس از مرگ شیخ هارون، نواب علامی شیخ محمد خاتون، پیشوای دولت قطب‌شاهی، متوجه فرزندان او شده بر نسبت سابق، از مواجب یا تن‌خواه منطقه لنگر فیض اثر، برای ورثه شیخ هارون، مقرری تعیین نموده است (نک: صاعدی شیرازی، ۱۹۶۱م: ۲۱۳)؛ که این مطلب نشان می‌دهد شیخ هارون فرزندی داشته است.

۶- طریقه انتقال برخی از آثار هارون به ایران

با توجه به این که شیخ هارون سی سال انتهایی عمر خود را در حیدرآباد به سر می‌برده است و در همانجا وفات نموده، به نظر می‌رسد آثار وی در هند موجود بوده‌اند و برخی از آنها از طریق افرادی همانند اسدالله ابن خاتون، به ایران و از آنجا به دیگر مناطق انتقال پیدا نموده‌اند.



الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة، نسخه ۲۵۰۹، آستان قدس، صفحه عطف نسخه

به عنوان نمونه، در صفحات عطف نسخه «الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة» کتابخانه آستان قدس (شماره ۲۵۰۹) که پیش‌تر معرفی گذشت، یادداشت وقفی به صورت مهر بزرگ، با این عبارت وجود دارد:

«این کتاب را با سیصد و نود و نه جلد دیگر وقف آستانه حضرت علی ابن موسی رضا نمود، اضعف عبداللّه العنی ابن شیخ محمد مومن اسد اله الخاتونی که ساکنان مشهد مقدس از مطالعه آن بهره مند گردند. هر که بفرود بلعنت خدا و نفرین رسول و غضب امام گرفتار شود ۱۰۶۷».

زیر این مهر بزرگ نیز نوشته شده: «الواقف اسدالله ابن شیخ محمد مؤمن (المشتهر بابن خاتون المشهدی عاملی) عفی عنه و لجمیع المؤمنین فی شهر سنه ۱۶۰۷ق» (به همراه مهر بیضوی واقف: یا اسدالله، غلام توام، این شرفم بس که به نام توام).

بنابراین، واقف نسخه، «اسدالله بن محمد مؤمن ابن خاتون المشهدی عاملی» است؛ که در سال ۱۰۶۷ قمری، چهارصد کتاب را وقف کتابخانه حرم امام رضا(ع) نموده است (نک: شاکری، ۱۳۶۷ش: ۹۱/۱-۹۳). تعداد قابل توجهی از نسخ خطی وقفی اسدالله خاتون به آستان قدس، نسخ مربوط به هند و حیدرآباد است (نک: استادی، ۱۴۰۲ش: سراسرمتن).

اسدالله بن محمد خاتون، ظاهراً فرزند شیخ محمد خاتون است که پس از وفات شیخ محمد در سفر حج به سال ۱۰۵۹ق، به ایران بازگشته است؛ و یا این که در مشهد الرضا(ع) بوده است و ارثیه شیخ محمد را که نسخ خطی کتابخانه محمد خاتون نیز در آنها بوده، از وصی او تحویل گرفته است؛ همانطور که نصرآبادی در تذکره خود به آن اشاره نموده: «شیخ محمد خاتون ... به هندوستان رفته بخدمت عبدالله قطب‌شاه کمال اعتبار بهم رسانیده، در آنجا فوت شد. امانت دثار و دیانت شعار، میرزا اسد [بیگ، همسفر حج وفات ابن خاتون] را وصی خود کرده، جمیع اسباب خود را به او داد که در ایران به ورثه او برساند. همه را بلاقصور به ورثه رسانید و شاهد بسیار دارد یکی از آن جمله، فقیرم ...» (نصرآبادی ۱۳۱۷: ۱۵۹ و ۱۶۰).

بنابراین، برخی از آثار منحصر بفرد هارون بن خمیس و برخی دیگر از شاگردان ابن خاتون (همانند محمد علی کربلایی؛ نک: کربلایی، قرن ۱۱: شرح شافیه، نسخه ۳۸۳۴. نیز: همو، قرن ۱۱: ترتیب ایضاح الاشتباه فی اسماء الرواة، نسخه ۳۵۹۲) را، که در کتابخانه شیخ محمد خاتون در حیدرآباد بوده است، از طریق اسدالله بن محمد خاتون در کتابخانه آستان قدس رضوی وقف شده است.

نتیجه

۱- از وقایع زندگی شیخ هارون و خانواده‌اش، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اما می‌توان بر اساس برخی از اسناد و نسخ خطی، اطلاعات مختصری برای وی مطرح نمود. وی متولد حدود سال‌های ۹۵۲ق تا ۹۶۲ق بوده، و نسب خویش را در برخی از کتابت‌های خود، با عنوان «هارون بن شیخ خمیس بن داود جزایری» یاد نموده است. جدای از پدر هارون و خود وی، چندین نفر از برادران شیخ هارون و فرزندان ایشان از خاندان آل خمیس نیز، اهل علم و کاتب بوده‌اند؛ و آیت‌الله مرعشی‌نجفی از پدر او با عنوان «العلامة الشیخ خمیس الجزایری» یاد کرده است.

۲- از وضعیت تحصیل شیخ هارون جزایری نیز اطلاعی در دست نیست. با توجه به این که وی در حدود شصت سالگی به هندوستان آمده است؛ به نظر می‌رسد که تحصیلات خود را در ایران سپری کرده باشد. اما می‌دانیم که وی مدرس اهل «لنگر فیض اثر» حیدرآباد بوده؛ و فقیهی بی‌عدیل عادل و به صلاح و تقوی موصوف بوده، که قریب سی سال به نشر علم فقه در این منطقه اشتغال داشته است. صاحب کتاب «تجوید»، وی را این گونه توصیف نموده: «افضل الفضلا و افقه المحدثین و المتکلمین و اعلم به مسائل مذهب اثنا عشری الشیخ هارون الجزایری که افقه و اورع آن زمان و مرجع الیه اهل اتقان».

۳- تراجم نگاران اندکی که به هارون بن خمیس پرداخته‌اند، فقط یک یا دو اثر، برای وی ذکر کرده‌اند؛ ولی با جستجوی در فهرس نسخ خطی، برخی آثار دیگر نیز برای او قابل ذکر هستند که شامل کتابت آثار و تألیفات می‌گردند. چند نسخه از آثار کتابت شده توسط وی عبارتند از: ۱- شرح الملخص فی الهیة. ۲- منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال. ۳- الخصال (المحمودة و المذمومة). ۴- دیوان عمادی غزنوی. ۵- دیوان فلکی شروانی. همچنین، سه عنوان از آثار نوشته شده توسط شیخ هارون، شناسائی شد؛ که هر سه در موضوع فقه اسلامی می‌باشند: ۱- الفواید العلیة فی شرح الاثنی عشریة. ۲- الفوائد العلیة فی شرح الألفیة. ۳- مسالک الرشاد فی شرح الارشاد.

۴- اسناد روشنی که مستقلاً به سفرهای شیخ هارون پرداخته باشند، در دسترس نیست؛ اما با توجه به برخی داده‌ها می‌توان سیر مسافرتی وی را تا حدودی مشخص نمود. در مجموع به نظر می‌رسد که، شیخ هارون تنها یک سفر کلی از ایران به هندوستان، در طول مدت حدود دو سال، داشته است؛ و در این مسیر، شهرهای مختلفی را بین راه (همانند کرمان در سال ۱۰۱۵ق)، درک یا اقامت کوتاه نموده و به حدود سال ۱۰۱۷ق در حیدرآباد بوده است.

۵- از نامه‌ها، مکتوبات و همکاری دولتی شیخ هارون، اطلاعی حاصل نشد؛ جز جواب نامه یک استفتاء، که رحمت الله گیلانی (قرن ۱۱) در کتاب خود ثبت نموده است. همچنین، قابل توجه است که در آثار تاریخی دوره قطب‌شاهی، همانند کتاب‌های حدیقه السلاطین و حدایق السلاطین نقشی غیر درسی از شیخ هارون جزایری وجود ندارد، بنابراین می‌توان گفت که وی، مسؤولیت دیوانی یا نقش محوری در وقایع و جریانات سیاسی آن دوران نداشته است؛ و احتمالاً فقط فقیهی محض در درس و تدریس بوده است.

۶- شیخ هارون در ماه ذیقعد سنه ۱۰۴۷ قمری به رحمت ایزدی واصل گشته؛ و طبق قرائنی می‌توان گفت که وی حدود نود سال عمر کرده، که قریب به سی سال از آن را در هند و حوالی حیدرآباد اقامت داشته است. قبر وی در «لنگر فیض اثر» است، که اکنون به گنبدان قطب‌شاهی موسوم می‌باشد. شیخ هارون با اینکه فرزندان داشته است، اما در کتاب‌های تراجم محدودی که به یادکرد وی اشاره داشته‌اند، عقب و فرزندی برای او بیان نشده؛ ولی با توجه به نسخه خطی کتاب ترجمه کنز الدقایق^۱، که در سال ۹۸۹ توسط بهاء‌الدین بن شیخ هارون کتابت شده، می‌توان گفت که وی، فرزند شیخ هارون بوده است.

۷- با توجه به این که شیخ هارون سی سال انتهایی عمر خود را در حیدرآباد به سر می‌برده است و در همانجا وفات نموده، به نظر می‌رسد آثار وی در هند موجود بوده‌اند و برخی از آنها از طریق افرادی همانند اسدالله ابن خاتون، به ایران و از آنجا به دیگر مناطق انتقال پیدا نموده‌اند.

منابع

۱. ابن طلوس، علی بن موسی (۱۰۱۶ق)، الیقین باختصاص مولانا علی بامر المومنین، مخطوط کاتب: عبدمحمد بن خمیس بن داود الجزایری الشعوی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، نسخه شماره: ۱۹۷۰۱.
۲. استادی، علامه شیخ محمد ابن خاتون عاملی، مخطوط، قم: کتابخانه رضا استادی.
۳. استادی، کاظم (۱۴۰۲ش)، کاتبان آل خمیس بن داود جزایری (ق ۱۱ و ۱۲)، مخطوط، قم: کتابخانه رضا استادی.
۴. استادی، کاظم، (۱۴۰۲ش)، اسدالله خاتون واقف بزرگ کتابخانه آستان قدس رضوی، مخطوط، قم: کتابخانه رضا استادی.
۵. استرآبادی، محمد بن علی (۱۰۳۰ق)، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، مخطوط، کاتب: هارون بن خمیس، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی؛ نسخه شماره ۱۱۹۳۵.
۶. بحانی تبریزی، جعفر، و گروه علمی موسسه امام صادق (۱۴۱۸ق)، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۷. بلگرامی، علی اصغر (۱۹۲۴ق)، مآثر دکن (متضمن بر حالات عمارات و آثار بلده حیدرآباد و مضافات بلده)، حیدرآباد: دارالطبع سرکار عالی.
۸. بیضوی، عبدالله بن عمر (۹۹۵ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، محل استنساخ: حویزه، کاتب: محمد بن خمیس. تهران: کتابخانه مدرسه مروی؛ نسخه شماره ۱۶۱.
۹. تاج الدین مکی، احمد بن ابراهیم (۱۱۴۲ق)، تاج المجامیع، نسخه خطی شماره ۱۳۵۸، مکتبه ملک سعود بالریاض.
۱۰. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۸ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: موسسه اسماعیلیان.
۱۱. تهرانی، آقا بزرگ (بی‌تا)، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق: علینقی منزوی، قم: اسماعیلیان.
۱۲. جزایری، خمیس بن داود (۱۰۳۰ق)، متفرقات، مخطوط، تهران: کتابخانه ملک؛ نسخه شماره ۱۸۳۸.
۱۳. الحسینی، السید أحمد (۱۴۱۴ق)، تراجم الرجال، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۱۴. حماد، نصرالله بن محمد (۹۸۹ق)، ترجمه کنز الدقایق، مخطوط، کاتب: بهاء‌الدین بن شیخ هارون. دهلی‌نو: کتابخانه جامعه همدرد؛ نسخه شماره ۷۸۲.
۱۵. دانش‌پژوه، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۱ش)، فهرست کتابخانه مجلس شورا (ج ۹)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۶. سلماسی، مهدی (۱۳۹۹ش)، «آل خاتون» (دائرة المعارف بزرگ اسلامی)، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، مدخل ابن خاتون، ویرایش جدید سایت اینترنتی ۱۳۹۹/۳/۱۹ش.
۱۷. شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۷ش)، گنج هزار ساله: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب، مشهد: آستان قدس رضوی، ۹۱/۱-۹۳.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۰۵۲ق)، البدایه فی علم الدرایه، مخطوط کاتب: خمیس بن عامر الجزایری، بغداد: کتابخانه دار صدام للمخطوطات، نسخه شماره: ۲/۱۴۶۷۹.
۱۹. صاعدی شیرازی، نظام‌الدین احمد (۱۹۶۱م)، حدیقه السلاطین قطب‌شاهی، حیدرآباد: بی‌نا.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۰۲۰ق)، تهذیب الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، مخطوط کاتب: محمد بن خمیس بن داود بن منصور الجزایری، تهران: کتابخانه ملی ایران، نسخه شماره: ۲۵۳۱۲.
۲۱. عزمی، راحت (۱۹۹۲م)، علامه ابن خاتون، حیدرآباد: باب العلم سوسای‌ٹی.
۲۲. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۹۸۳ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، مخطوط کاتب: خمیس بن داود بن منصور بن محمود الشعیبوی الاحلاقی، قم: کتابخانه مدرسه فیضیه، نسخه شماره: ۲۰۷۸.
۲۳. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۷۷ش)، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.

۲۴. قاضی‌زاده رومی، موسی بن محمود (۱۰۱۵ق)، شرح الملخص فی الهیئة، مخطوط، کاتب هارون بن شیخ خمیس، تهران: کتابخانه مجلس شورا؛ نسخه شماره ۶۳۳۴.
۲۵. کرکی، علی بن حسین (۱۰۳۰ق)، صلاة الجمعة، مخطوط کاتب: شیخ خمیس بن داود جزای‌ری، تهران: کتابخانه ملک، نسخه شماره: ۲/۱۸۳۸.
۲۶. کربلایی، محمد علی (قرن ۱۱)، ترتیب ایضاح الاشتباه فی اسماء الرواة، مخطوط، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی؛ نسخه شماره ۳۵۹۲.
۲۷. کربلایی، محمد علی (قرن ۱۱)، شرح شافیه، نسخه خطی شماره ۳۸۳۴، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
۲۸. کریمیان، لیلی (۱۳۹۳ش)، «آل‌خاتون» (دانشنامه جهان اسلام)، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ج ۱۴، مدخل آل‌خاتون.
۲۹. گیلانی، رحمت الله (ق ۱۱)، برهان القاری فی تجوید کلام الباری، تهران: کتابخانه مجلس شورا، نسخه شماره ۲/۱۷۶۲۱.
۳۰. مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۶۸ش)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۱. مرعشی نجفی، سید محمود (؟)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی (ج ۵)، قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
۳۲. مهاجر، جعفر (۱۴۱۰ق)، الهجرة العملية إلى ایران فی العصر الصفوی (اسبابها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية)، بیروت: دارالروضة.
۳۳. نصرآبادی اصفهانی، محمدطاهر (۱۳۱۷)، تذکره نصرآبادی، تهران: ارمغان.
۳۴. هارون بن خمیس (۱۰۳۶ق)، الفوای‌العلیة فی شرح الاثنی عشریة، مخطوط، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی؛ نسخه شماره: ۲۵۰۹.
۳۵. هارون بن خمیس (۱۱۱۰ق)، مسالک الرشاد فی شرح الارشاد، مخطوط، کربلا: کتابخانه العتبة العباسیة؛ نسخه شماره ۳۶.
۳۶. وفادارمردی، محمد (۱۳۸۴ش)، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (ج ۲۳)، مشهد: آستان قدس رضوی.

بسم الله الرحمن الرحيم وفيه تسخير
الحمد لله رب العالمين الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وبسط لك المسيط
طقا وحدودا وفتح خضر اذا توجع وسراج وخفض غبارا وادى تسخير وضع
ومن بحر مسجورا على سبع سموات من الارض سبعت في تسعة ايام ودر الامم سر
منهم على من نظام كما كان في تلك المستورا والصلوة على من في صدرها
ربة الذي كان في سواد ادي محمد الذي اصبح مؤيدا بارع و
منصوبا وعلى له الاتقان والجم الاحمد ما دام السالك المحمدا
دايجا ونسرا واشاميه غمونا واليمانية عبورا وبعده طلا جسم
قهر النجوم وانه لعلم ليعلم في عظيم انهم في فانا هذا قد ندر من يد
العلوم الحقيقية ومعالم التعليم لا سيما الياضي من علمان را اصعب
ظلم اضليله المار وذا هبة الروا تصفرة انجوم والده جار ومغبرة
زجبا والاقطار يد اخذ القوم ظمرا وطنوه شسنا في اودن لبوه كالحا
في الصحاين لا محمد بن الى منار له بسبلا ولا محمد بن طاع جدا له
مرشدا ودر السلا مصلح في التسخير الاحوال التي استبان في لو ادي هذه
العلوم اسلم منها حرا او فلسف لعالم تصطلون لكن لما تاملت في لها
العرايم عن لطو وعنه الى اصوله ولفا صرا الطبائع عن صيغتها
وخصوا منها ما هو سررا على واهم واولى اعلم المحسنة التي اسى
على ان طرح بها واطرى في حلاقه دورا والدرا وصره بها كلفه
در سال

شرح ملخص، کتابخانه مجلس نسخه شماره ۶۳۳۴، صفحه اول



الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة، نسخه ۲۵۰۹، کتابخانه آستان قدس، صفحه اول



الفوائد العلیة فی شرح الاثنی عشریة ، نسخه ٢٥٠٩، کتابخانه آستان قدس، صفحه آخر

الفقه اللامیه حکایت موافقین کتاب
 الفیض الطیفری رحمت الله القاری الجلیلی نقل میکند که در وقت تا
 لیف کتاب برهان القاری فرمودند کلام البار در حیدرآباد
 تمیث عن الفتن والفساد استیجاب شرک که دو کلمه در باب
 قرآنی سب و بجد مت افضل الفقدار وفقه الخدیش و المنکین
 و اعلم بما لای نذهب شناعته التبیح من دون الجواز امر که واقف
 و اذعان ان زمان و مرجع الیه اصل اتقان بود بنویسد
 نوشت و چون شیخ فرمود فقیه و حدیث و منقحی مستقیم معتبر
 بود جواب رقد و تمینا و شرک در آن کتاب است بنود آن
 اینست القرآنة السبعة بالاجماع صحیحة لانها متواترة
لكثرة الاجماع في الصلاة بين فرادته متناهية في الغابر
جامع بالاجماع ایضا دما عدل لبعده فهو شاذ عندنا
بالاجماع لا يجوز القراءة بدل الصلاة انتهى حکایت آخر

بسم الله الرحمن الرحيم
ان اول ما نقره ^{الكتاب} بيان بل اوج ^{الكتاب} يستعمل به الانسان في جميع الاعصار
حد من لا يستعمله شان ولا يبقوه، زمان ولا يجوبه مكان ولا يصفه لسان
ولا يعزب عنه عدد قطر الماء ولا يخوم السنا، ولا سواي الزخ في الهوا، ولا
دبيب النمل على الصفا، ولا معتبل الذر في اللبنة الظلمة، تعالى هذا بحوله الخد
من صفات الاقدار و بنايات الافطار والصلح على من ابتعته بالنور
المنقى والبزهان المحلى والمنهاج البادي واكبر ان لهادي لبنا لا لبنا
و خلاصة الافطاب وافضل الانبياء واشرف الاحباب محمد النبي المبعوث
للعرب والعجم واصل الكتاب وآله الذين هم الهداة الى ام الكتاب والفا
بعده على ائمة بفصل الخطاب فتم الحج على حيلة الخلق ان ظهر واودع ^{المعقول}
صلوة، ائمة لا انقضاء لها ولا انقضاء تتعاقب عليه تعاقب سبالي والايام
وسد فان الفقير الى الله الغني هرون بن حنبل الجزارى وفقه الله ^{صلى}
للتعلم في يومه لعدة قبل ان يخرج الامر من يد يقول الى لنا امعت نظر
وصرفت فكري في مطالعة الكتاب الموسوم بارشاد الازهقان المنشوب الى
الامام العلامة سلطان المحققين امام المهندسين ذى المناقب ^{المنقول}
بالاستحقاق المعروف في جميع الافان جامع الاصول والفروع حاوى
والشروع مفتى الشيعة الامامية مسلم الفنون الاسلامية حاوى كالات
بالانسان كائنه دقائق الفحاح والمنان خلاصة ائمة محمدية ^{الائمة}
الاطهار مروج المذهب المنقول من صاحب ذى الفقار ^{في} في الاسلام
ومرجع الخاص ^{بوصف} بعام مال الملذ والذينا والدين الى المنصور الحسن بن
المظفر الحلى نوراه مرفقه وجعل في اعلامه بين مسنده ولعوى انه اجمل
من اجمل ^{من} تصنيف احبته بان املق عليه شرحا يكشف غوامضه ومطوياته ويبين

مسالك الرشاد في شرح الارشاد، كتابخانه العتبة العباسية؛ نسخه شماره ٣٦، صفحه اول

